نسیم جنوب
www nasimjonoub COM
سال بیست و ششم – شماره ۱۰۴۸
دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۲ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

نشانه‌های تکان‌دهنده از فقر در کشور



عکس از میثم حبشی

مصاحبه نسیم جنوب با میثم حبشی، عکاس طبیعت در استان بوشهر:

عکاسی در طبیعت، من را مجنون و از این عالم جدا می‌کند

جامعه سودده و زلزله‌های اجتماعی

عبدالخالق ماجدی

از ر.اعتمادی تا میلان کوندرا

دکتر سعید معدنی

رویای امپراطوری فوتبال بوشهر

جمیل رزمی

عسلویه، بنود، هاله؛ با سواحل شگفت‌انگیز

دکتر کیوان آقایانی

مردم بوشهر کمتر از سایر هموطنان عمر می‌کنند

مدیرکل ثبت و احوال استان بوشهر گفت: آمارهای استخراجی از مرگ و میر بهار امسال، نشان می‌دهد که طول عمر مردم این استان نسبت سایر هم وطنان کمتر بوده است.
به گزارش ایرنا، اسکندر پاسالار اظهار کرد: در سه ماه اول امسال، میزان افراد فوت شده استان بوشهر، یک هزار و ۱۵۸ نفر بوده که از این تعداد ۶۵۰ مرد و ۵۰۸ زن بوده است. طی سه ماه نخست امسال، میانگین سن فوت مردان و زنان در کشور به ترتیب ۶۳.۹ و ۶۹.۶ سال بوده است در حالی که این آمار در استان بوشهر به ترتیب ۶۰.۵ و ۶۷.۳ سال ثبت شده است. بر این اساس، مردمان استان بوشهر طول عمر کمتری نسبت به میانگین کشوری دارند.
پاسالار یادآور شد: بر اساس آمارهای ثبت شده استان بوشهر، ۷۲ درصد از کل فوت شدگان در مناطق شهری از دنیا رفته اند. ۵۶ درصد از فوتی‌های استان بوشهر، مردان و ۴۴ درصد زنان است که نشان می دهد میزان فوت مردان همواره از زنان در این استان بیشتر است.
وی در خصوص نسبت جنسی افراد فوت شده در سه ماهه اول سال جاری گفت:در مقابل هر ۱۰۰ واقعه فوت ثبت شده زنان، ۱۲۸ واقعه فوت مردان به ثبت رسیده است که این شاخص در مدت مشابه سال گذشته ۱۳۵ واقعه فوت برای مردان بوده است. این آمار نشان می دهد که بهار امسال مردان کمتری نسبت به بهار سال گذشته فوت کرده اند.

در واکنش به موضع اخیر روسیه
نماینده تنگستان: درباره «خاک» و «وطن» با کسی شوخی نداریم

نماینده دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی در واکنش به بیانیه مشترک کشورهای حاشیه خلیج فارس و روسیه درباره جزایر سه‌گانه ایرانی و طرح ادعاهایی واهی درباره مالکیت این جزایر گفت: دولتمردان روسیه بدانند که «خاک» و «وطن» ما ناموس ما است و در این موضوع با هیچ کس شوخی نداریم.
نماینده دشتی و تنگستان در ادامه با اشاره به وضعیت راه‌آهن بوشهر- شیراز گفت: از رئیس جمهوری به دلیل سفرهایی که به استان بوشهر داشته است، تشکر می‌کنم و متذکر می‌شوم که برای اجرای مهمی از مصوبات سفرها از جمله راه‌آهن بوشهر- شیراز با وجود موافقت رهبری با فروش نفت و تهاتر آن جهت تامین هزینه‌های اجرایی پروژه و قول مساعد همه مسئولان، هنوز اقدام مساعدی به عمل نیامده است.

وعده استاندار بوشهر :
بوشهر بزودی صادرکننده آب می‌شود

محمدی‌زاده استاندار بوشهر: هر چند ۹۰ درصد آب شرب بوشهری‌ها خارج از استان تامین می‌شود اما با توجه به اجرای طرح‌های توسعه آب، بوشهر تا پنج سال آینده به یکی از استان‌های صادرکننده آب تبدیل می‌شود.
با توجه به اجرای طرح‌های آب‌شیرین‌کن در استان بوشهر و ذخیره آب زاگرس جنوبی در پشت سدها این استان از ظرفیت بزرگ آب شیرین در منطقه برخوردار است.

بوشهر به‌عنوان گمرک تخصصی ترخیص موبایل معرفی شد

ناظر گمرکات استان و مدیرکل گمرک بوشهر گفت: بندربوشهر به‌عنوان گمرک تخصصی ترخیص تلفن همراه و لوازم جانبی آن توسط گمرک کشور معرفی شد.

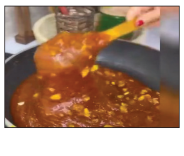
نماینده بوشهر در شورای عالی استان‌ها:
بوشهر، سرزمین پارادوکس‌های اجتماعی و اقتصادی
سهم مردم ما از کندوی عسل عسلویه، نیش بوده نه نوش

عضو هیئت رئیسه شورای عالی استان‌ها گفت: امروز عدل برای مردم استان بوشهر به واژه‌ای دست نیافتنی تبدیل شده و می‌توان بوشهر را سرزمین تضادها و پارادوکس‌های اجتماعی و اقتصادی کشور لقب داد.
به گزارش خبرنگار ایلنا، حسن رمضانی نماینده استان بوشهر در شورای عالی استان‌ها در نطق پیش از دستور خود در اجلاس هجدهمین شورا با گلایه از ناعدالتی‌ها در این استان، گفت: ناعدالتی‌ها در بوشهر از حد گذشته است. امروز عدل برای مردم استان بوشهر به واژه‌ای دست نیافتنی تبدیل شده و می‌توان بوشهر را سرزمین تضادها و پارادوکس‌های اجتماعی و اقتصادی کشور لقب داد.
وی افزود: استان بوشهر، استان بر گنج و در رنج، ثروتمند فقیر، دلیران مظلوم، ساحل‌نشینان تشنه لب، وطن دوستان غریب، کانون اشتغال با جوانان بیکار و صیادان در دام صنعت گرفتار است.
عضو هیئت رئیسه شورای عالی استان‌ها خاطرنشان کرد: بوشهر پایتخت انرژی ایران است اما در تکمیل زیرساخت‌های خود حیران مانده، ریل‌گذار اقتصاد ملی است اما فاقد شبکه ریلی، جزیره خارک در شمال استان در آرزوی وصل گاز و عسلویه در جنوبش، در آرزوی قطع بوی گاز است.
رمضانی اظهار داشت: مثل این که قرار نیست استان بوشهر از بزرگترین کندوی عسل جهان؛ عسلویه، عسلی شفابخش مردم دردمند بهره ببرد. این همه سال سهم عمده ما از این کندوی بزرگ، نیش زنبور بوده نه نوش آن.
وی ادامه داد: برای منطقه‌ای که بیش از ۱۳۰ فلر گازی بدسوز و آلاینده در آن سر به فلک کشیده و ابر آسمانش همه دود است، آیا واژه محیط زیست خود تلخ‌ترین پارادوکس نیست؟
عضو شورای عالی استان‌ها خاطرنشان کرد: مگر مردم این مناطق حقی برای زندگی سالم ندارند؟ مگر مقام معظم رهبری یک دهه قبل در دیدار با مردم عسلویه نفرمودند: کمک به رفع نیازهای مردم، جزو جهاد اقتصادی است. پس چرا در این مدت پاسخ در خوری به نیازهای ابتدایی مردم از جمله آب و درمان و راه و اشتغال داده نشده است؟ پس بپذیریم که مدیران، جهادی عمل نکرده‌اند.
وی افزود: مگر قرار نشد، ۵۰ درصد از نیروهای بومی در صنعت اشتغال داشته باشند، چرا باید امروز جوانان تحصیل کرده ما، در به در کار باشند؟ چرا از حق جوانان منطقه توسط امور اشتغال منطقه ویژه، دفاع نمی‌شود؟ چرا عوارض آلایندگی که مهمترین منبع درآمد شهرداری‌ها و دهیاری‌ها است، باید بیش از ۱۵ ماه از وصول آن بگذرد و به حساب این نهادها واریز نشود؟ چرا راه‌های ارتباطی جم به فیروزآباد و دیر به بوشهر باید قربانگاه مردم باشد؟
نماینده استان بوشهر در شورای عالی استان‌ها بیان داشت: چرا سازمان تأمین اجتماعی، در پرسودترین استان خود، بیمارستانی متناسب با نیازهای مردم و کارگران احداث نمی‌کند؟ چرا مصوبه دولت در خصوص تشکیل کمیته ملی رفع آلودگی عسلویه بر زمین مانده است؟ چرا مصوبه احداث بیمارستان در عسلویه از ثبت در دبیرخانه فراتر نرفته است؟ چرا وزارت نفت به جای احداث بیمارستان در پارس جنوبی، زمزمه‌هایی مبنی بر ساخت بیمارستان نفت در فاصله ۵۰۰ کیلومتری از پارس جنوبی و عسلویه در شیراز موجب نگرانی و نارضایتی مردم شده است؟ به وزارت نفت این تضمین را می‌دهیم که احداث بیمارستان بزرگ در استان بوشهر نیز بسیار سودآور خواهد بود چرا که به لطف صنایع آلوده نفت و گاز و پتروشیمی، مردم دچار دردهای بی شماری شده‌اند که درمان آن، هزینه‌بر است.

تکمیل پروژه راه‌آهن بوشهر ۵۰ هزار میلیارد تومان می‌خواهد

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان بوشهر با اشاره به نیاز ۵۰ هزار میلیارد تومانی پروژه راه‌آهن بوشهر به شیراز گفت: برای این پروژه یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار از محل تهاتر نفت مصوب شد که تا ۲ ماه آینده به این پروژه تزریق می‌شود.

برگزاری فستیوال خانوادگی و مردمی پخت مسقطی بوشهری



فستیوال خانوادگی و مردمی پخت مسقطی بوشهری با رویکرد معرفی غذاهای سنتی بندر بوشهر، دورهمی خانوادگی و نشاط اجتماعی، توسط خانه مشارکت‌های مردمی سلامت شهرستان بوشهر با همکاری هیات امنای مسجد کوی دهدشتی برگزار گردید. در این فستیوال بازی های فکری برای کودکان و بازارچه کسب و کارهای کوچک خانگی نیز برگزار گردید.
هزینه مراسم با حمایت مردمی شامل یکصد پک جایزه کودکان توسط کتاب شهر و میلاد باستی تهیه و بین کودکان تقسیم شد.
جوایز شرکت کنندگان شامل سیزده کارت هدیه به مبلغ دو میلیون و نهصد هزار تومن توسط خیر و حامی نیکوکار خانم پیشداد به صورت هدیه تقدیم شد. هیات امنای مسجد دهدشتی نیز با در اختیار گذاشتن محل برگزاری با سیستم خنک کننده، سیستم صوتی، میز و صندلی، آب نوشیدنی از این فستیوال حمایت نمودند.
از دیگر حامیان این برنامه؛ پورحیاوی، میثم بشکوه مجری فستیوال، تیم اجرایی خانه مشارکت‌های مردمی سلامت شهرستان بوشهر و خانم رستم جبری موسسه بازی فکری پروانه ها بودند.
مشاغل خانگی نیز با همکاری موسسه هنری سونر با مدیریت خانم قاسمی در این فستیوال حضور یافتند.

وعده ساخت مسکن برای کارکنان دولت در استان بوشهر

استاندار بوشهر گفت: پس از سپاه پاسداران که به تازگی در محله تنگک بوشهر زمینی برای احداث ۳۱۵ واحد مسکونی برای کارکنان خود اختصاص داده، اداره‌کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای دومین اداره در استان به شمار می‌رود که برای این مهم پیشگام شده است. این زمین و سایر زمین‌های دولتی برای مسکن کارمندان مشمول و حتی بازنشستگان اجاره‌نشین است و پروژه مسکن راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان بوشهر شروع طرح الحاق ۴۵۰ هکتار به شهر بوشهر است که گام بزرگی برای صاحب خانه شدن جوانان به شمار می‌رود.

وعده معاون استاندار بوشهر برای جذب ۸۵۴ نیروی بومی در پارس جنوبی

اکبر پورات، معاون سیاسی استاندار بوشهر در دیلم گفت: پیگیر اشتغال جوانان بومی در شرکت‌های منطقه و جذب ۸۵۴ نفر از جوانان استان بوشهر در آزمون استخدامی پارس‌جنوبی خواهیم بود.
وی افزود: اخراج ۱۲ نفر از کارگران در یکی از شرکت‌های شهرستان دیلم در دستور بررسی و پیگیری لازم قرار گرفته است. اشتغال‌زایی جوانان دیلم و گناوه در شرکت‌های فعال در این شهرستان‌ها با جدیت دنبال خواهیم کرد.

دعوت از ۷ بانوی بوشهری به اردوی تیم ملی زیر ۱۷ سال ایران

اردوی انتخابی تیم ملی فوتبال دختران نوجوان در استان بوشهر و شهر گناوه برگزار می‌شود. به همین منظور شادی مهینی، سرمربی تیم ملی فوتبال نوجوانان اسامی بازیکنان دعوت شده را اعلام کرد: سحر جمشیدی، فاطمه زهرا فقیه، فاطمه تکین، آوا فرامرزی، زینب خلیلی، شیدا چهارمحالی، زهرا عبد علی از بوشهر به این اردوی انتخابی دعوت شده‌اند.

سودآوری ۳۰۰ میلیون دلاری با استحصال اتان در مجتمع گاز پارس جنوبی

وزیر نفت گفت: با استحصال اتان ۹ پالایشگاه مجتمع گازی پارس جنوبی، سالانه ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار درآمد برای کشور ایجاد خواهد شد.
به گزارش خبرنگار شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، جواد اوجی در آیین امضای تفاهم‌نامه طرح افزایش استحصال گاز اتان ۹ پالایشگاه مجتمع گازی پارس جنوبی با بیان اینکه روزانه بیش از ۷۰۰ میلیون مترمکعب گاز از میدان پارس جنوبی برداشت می کنیم، افزود: با تولیدی شدن طرح توسعه فاز ۱۱ این میدان مشترک تولید افزایش خواهد یافت.
وی ادامه داد: هم‌اکنون ۶۶ درصد اتان تولیدی در پالایشگاه‌های پارس جنوبی استحصال و بقیه به خط لوله سراسری تزریق و سوزانده می‌شود.
وزیر نفت افزود: نخستین پروژه استحصال اتان کشور در پالایشگاه گاز پارسیان (واحد استحصال اتان پارسیان سپهر) از سوی ستاد اجرایی فرمان امام به بهره‌برداری رسیده است و شرکت‌های زیرمجموعه این نهاد تجربه خوبی در این زمینه دارند و همواره صف‌شکن هستند.
اوجی گفت: این پروژه قرار است استحصال اتان از ۱۸ فاز پالایشگاه پارس جنوبی را انجام دهد و سالانه ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار سودآوری برای کشور دارد، عملیات اجرایی این پروژه تا دو ماه آینده آن آغاز می‌شود.
وی ادامه داد: استحصال اتان در پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس‌جنوبی، برای کشور ارزش افزوده و اشتغال زیادی به همراه دارد.
وزیر نفت با اشاره به تولید سالانه ۱.۱ میلیون تن اتان از محل اجرای طرح استحصال اتان در ۹ پالایشگاه مجتمع گاز پارس جنوبی گفت: سود حاصل از اجرای همه پروژه‌ها در این ستاد یا دوباره در زنجیره ارزش همان پروژه سرمایه‌گذاری می‌شود یا در بخش اجرای پروژه‌های عام‌المنفعه و مردم همچون راه‌اندازی کارخانه‌های تولید داروهای خاص سرمایه‌گذاری می‌شود.

عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان:
از کدام همسان‌سازی صحبت می‌کنید، مستمری را به خطر فقر برسانید!

علی اکبر عیوضی، عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران: مطرح شدن همسان‌سازی بیشتر شعار انتخاباتی‌ست. بعد از پانزده سال انتظار در سال ۹۹ یک همسان‌سازی نصفه نیمه اجرا شد؛ سهم بازنشستگان کارگری چقدر بود؟ وقتی بعد از پانزده سال پیگیری، اعتبار مناسب برای همسان‌سازی به سازمان تامین اجتماعی ندادند، حالا در آستانه‌ی انتخابات از کدام همسان‌سازی سخن می گویند؟

دولت به سازمان بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد، همین بدهی را بپردازد کافی‌ست ما همسان‌سازی اضافه نمی‌خواهیم. از همه‌ی اینها گذشته، قانون افزایش حقوق اجرا شود هیچ نیازی به اجرای همسان‌سازی نیست. بازنشسته اگر دستمزدش مطابق قانون زیاد شود، نیازی به همسان‌سازی و متاسب‌سازی ندارد! / ایلنا

هشدار پلیس فتا به بازنشستگان

رئیس پلیس فتای ویژه شرق استان تهران نسبت به کلاهبرداری از بازنشستگان با ترفند ثبت‌نام کارت هوشمند سلامت خبر داد. حمیدرضا سلطان‌آبادی دراین‌باره گفت: «مجرمان سایبری از اقشار و مناسبت‌های مختلف برای تحقق اهداف مجرمانه خود سوءاستفاده می کنند. یکی از این موارد فریب شهروندان بویژه بازنشستگان در پوشش خرید بیمه‌های تکمیلی با کلیدواژه‌هایی نظیر «کارت هوشمند سلامت» یا «کارت بیمه سلامت» و... است.» او ادامه داد: «در این روش افراد سودجو با ترفند دریافت کارت هوشمند بیمه، با قربانیان تماس گرفته و به قصد کلاهبرداری با ارائه شماره‌حساب، اقدام به دریافت اطلاعات شخصی کاربران می‌کنند. در ادامه افراد سودجو با سوءاستفاده از این اطلاعات محرمانه اقدام به کلاهبرداری می‌کنند.» او با بیان اینکه موضوعی به‌نام «کارت هوشمند سلامت» یا «کارت بیمه سلامت» وجود ندارد، گفت: «سالمندان و بازنشستگان، همچنین فرزندان آنان باید آگاه باشند که پاسخی به چنین تماس‌ها و پیام‌هایی ندهند. »

کشور در منگنه تحریم

محسن هاشمی، رئیس سابق شورای شهر تهران در گفت‌وگو با جماران گفت: «در واقع از اواخر ۸۹ و ۹۰ که هفت قطعنامه تحریمی آمده بود و همان فردی که می‌گفت تحریم‌ها کاغذپاره است هم فهمید، این‌طور نیست. در آن زمان تحت تاثیر تحریم‌ها دلار هم از هزار تومان به چهار هزار تومان هم رسید. آن فرد بعد تلاش کرد که مشکل را حل کند که نشد و روحانی هم می‌خواست حل کند اما با وجود تصویب برجام نتوانست مشکل را حل کند.» او ادامه داد: «چون درست است که تحریم‌های بین‌المللی با برجام حل شده است، اما گستره تحریم‌ها آنقدر زیاد است که با وجود بین‌المللی نبودن تحریم‌ها، مشکلات تحریمی ما همچنان وجود دارد. بنابراین، سال‌هاست که به دلیل تحریم‌های بین‌المللی در حمل و نقل عمومی سرمایه‌گذاری نشده است.»

احداث انتقال خون دیلم توسط یک خیّر

پایگاه انتقال خون شهرستان دیلم با زیربنای ۴۰۰ مترمربع به همت خیر زنده یاد عبدالعزیز صادقی ساخته شد و با کمک خیران و سازمان انتقال خون استان از محل اعتبارات کمیته برنامه‌ریزی شهرستان تجهیز و با حضور خانواده آن مرحوم افتتاح شد.

جامعه سوده و زلزله‌های اجتماعی

عبدالخالق ماجدی



در جریان اعتراضات اخیر مردم فرانسه، در یکی از تصاویر دختری را می‌بینیم که در جریان غارت فروشگاه زارا با در دست داشتن چندین لباس خوشحال از مغازه بیرون می‌آید.

در همین راستا بین هواداران احزاب چپ و راست مجادلات مفصلی در جریان است. چپ‌ها این اعتراضات را طغیان طردشدگان و تهیدستان می‌دانند که زیر فشار سیاست‌های اقتصادی نظام لیبرال سرمایه‌داری در حال نابودی‌اند و از طرف دیگر راست‌ها هم در اعتراض به غارت فروشگاه‌ها، این اقدامات را به کنایه «خرید سوسیالیستی» می‌نامند. از نظر اقتصادی، فرانسه با سرانه درآمدی تقریبی ۴۶ هزار دلار، ضریب جینی ۳۰ و شاخص بالای توسعه انسانی (۰,۹۰۱) هفتمین اقتصاد بزرگ جهان و از نظر برابری قدرت خرید رتبه نهم جهان است. به نظر می‌رسد که تصویر غارت فروشگاه زارا با داده‌های جداول و آمار و ارقام اقتصادی همخوانی ندارد.

پوزیتیویسم/علم گرایی/اثبات گرایی خودش را پایان تاریخ اعلام کرد یعنی اینکه با علم و اندازه‌گیری و جدول و نمودار رشد می‌شود تمام زندگی بشری را توضیح داد ولی متخصصان علوم انسانی هشدار دادند که انسان تماما قابل تقلیل به عدد و رقم نیست و انسان سیالیت خاص خودش را دارد و بخشی از رفتار او قابل پیش بینی و اندازه گیری نیست.

چند روز پیش در مجمع سالیانه دو شرکت زیرمجموعه یکی از هلدینگ‌های بزرگ انرژی کشور شرکت داشتم. عملکرد مالی سال ۱۴۰۱ یکی از شرکتها منفی ۵۰ درصد و دیگری مثبت ۵۰ درصد بود.طبعا تقریبا تمام وقت جلسه مجمع صرف شرکت زیانده شد. مالکیت شرکت زیانده در دهه هشتاد از دولت به هلدینگی که غیردولتی است واگذار شده بود. دو سال قبل مدیرعاملی جوان و متخصص مسئولیت دوشرکت را پذیرفته و عملکرد مالی شرکت زیان ده که در سال ۱۴۰۰ منفی ۸۰ درصد بود در یک رشد قابل ملاحظه به منفی ۵۰درصد در سال ۱۴۰۱ رسانده بود. جالب این است که دو شرکت ظرفیت تولید یکسانی دارند ولی نیروی انسانی شرکت زیانده دو برابر شرکت سودده و تولید واقعی‌اش یک چهارم شرکت سودده بود. یکی از اعضا مجمع با تخصص مالی جلسه را به سمت تعطیلی شرکت زیانده برد و یکی از اعضاء هیات مدیره شرکت هم که اتفاقا متخصص مالی بود با تعطیلی شرکت زیانده موافق بود چون معتقد بود بنگاه اقتصادی باید سود بدهد. درست می گفتند ولی واقعیاتی وجود داشت که گفته نمی‌شدند. جای سکوت نبود و می‌بایست در نقطه‌ای درستی از تاریخ می‌ایستادیم!

علم اقتصاد درست می‌گفت ولی هزاران قصه تلخ و شیرین در دل آن اعداد و جداول و نمودارها بودند. علم اقتصاد و مالی قصه خودش را روایت می‌کند و همه ماجرا را نمی‌تواند روایت کند چون زبان مخصوص خودش را دارد ولی انسان به زبان روان شناسی و زبان جامعه شناسی و زبان تاریخی هم نیاز دارد. یکی از اعضاء هیات مدیره در تایید صحبت‌های من گفت که بله موضوع ۲۴۰ خانواده حداقل چهارنفره در یکی از محروم‌ترین نقاط جنوبی کشور است. عرض کردم هنوز هم داریم اشتباه می‌کنیم چونکه عدد ۲۴۰ نفر را در عدد ۴ ضرب می کنیم و حاصل آن هم یک عدد است. عدد و جدول و ماشین و تکنولوژی ضمن نقش بسیار ویژه‌ای که دارند نباید به «نسان» جفا کنند چون که قرار بود همه آن‌ها به انسان خدمت کنند و حال آدمی به شود. فامیل سالاری و اندک سالاری و تصمیم‌های اشتباه و کارهای غیرعقلانی که در طول تاریخ فعالیت آن شرکت انجام شده بود چیزهایی بودند که گفته نمی‌شدند هرچند که هرسال خودشان را طی همین اعداد و ارقام نشان میدادند ولی قرار نبود که ما با همین اعداد و تقلیل انسان به اعداد اقتصادی محض، زندگی انسان را تیره و تارتر کنیم.

راه حل موضوع دستکاری در اعداد و آمار نبود. راه حل موضوع تعطیلی شرکت و انتقال این نیروها به شرکت سودده هم نبود. اندک سالاری، رفیق سالاری، قوم گرایی و عدم شفافیت مثل موریانه ساختمان سازمان/شرکت/جامعه را از درون متلاشی می‌کند. نقطه درست تاریخ همانجایی و همان کاری بود که مدیرعامل جوان در حال انجامش بود: شایسته سالاری، آموزش کارکنان و شفافیت. نقطه روشن و درخشان تاریخ همان جا و همان کاری بود که «آمارتیاسن» در هند کرد: با آموزش و تمرکز بروی انسان بویژه زنان آمارهای اقتصادی را بهبود بخشید. بهره وری و بازدهی بعنوان پارامترهای اقتصادی بدون توجه به جامعه شناسی و روان شناسی و تاریخ هر سازمان و یا جامعه قابل ارتقاء نیستند.

اگر به تصویر غارت فروشگاه‌های فرانسه یا هر نقطه‌ای در دنیا برگردیم و فرد را به عنوان سوژه در نظر بگیریم و فقط بر روی کنش او تمرکز کنیم قطعا دچار خطا می شویم. فرد و جامعه توامان ساخته می‌شوند و اگر در اتخاذ تصمیمات و سیاست ها به روان شناسی اجتماعی (بعنوان معدل فرد و جامعه/سازمان/شرکت) توجه نشود این اتفاقات بارها و بارها تکرار خواهد شد. می‌بایست توامان به روان فرد و روان جامعه توجه کرد. همه می‌دانیم که شهر آرمانی و اوتوپیایی تخیل ذهن انسان به عنوان یک فرد است ولی همین آرمان‌های ذهنی فردی به جامعه خیلی خدمت کرده و متقابلا فرد هم از جامعه یاد می‌گیرد. با استقرار و اجرای حاکمیت قانون، شایسته سالاری و شفافیت به عنوان آفاق دست یافتنی می‌توان یک جامعه خوب ساخت.جامعه/شرکت/سازمان داده نمی‌شوند بلکه ساخته می‌شوند. وقتی سقراط زندگی آرمانی و جامعه آرمانی را توصیف می‌کرد یکی از شاگردهایش می گوید که من باور ندارم چنان شهر خداپسندانه‌ای در هیچ نقطه‌ای از جهان وجود داشته باشد. سقراط پاسخ می دهد: «مهم نیست چنان شهری وجود داشته باشد یا نه. مهم این است که آدم خردمند به راه و روش‌های آن شهر زندگی کند. به حرف و نظر دیگران کاری نداشته باشد و زندگی خود را در انطباق با قواعد و مقررات آن شهر سروسامان بدهد».

شرکت/سازمان/جامعه ای سوده است که توامان به نفسیات درونی و آفاق بیرونی توجه می شود. شایسته سالاری، تدوین و اجرای قانون و شفافیت بعنوان آفاق نظری و متافیزیکی، عواملی هستند که به فیزیک/ماده/روان/سود فرد و شرکت و سازمان و جامعه همزمان خدمت می کنند. جامعه‌ای سوده است که ذهنیات و عینیات آن بهم نزدیک هستند و یک رابطه دیالکتیک و چرخه ای باهم دارند و همدیگر را تصحیح و یا تضعیف می کنند. حقیقت و واقعیت در کنار هم ساخته می شوند.

در پارادایم جهان مدرن که ذیل رابطه دولت-ملت فهمیده می شود هرچه ذهنیات دیوان سالاران و قانون گذاران و نخبگان به عینیات و واقعیت‌های کف جامعه نزدیک‌تر باشد به نظر میرسد تعارضات سقف و کف کمتر و ساختمان جامعه از پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود و کمتر شاهد زلزله‌های اجتماعی خواهیم بود.

زندگی آگاهانه

دغدغه‌های بزرگ

حسین زیراهی - مدرس مهارتهای توسعه فردی



اگر شما به یک هتل پنج ستاره لوکس با بالاترین سطح امکانات رفاهی و تفریحی وارد شوید ولی در گوشه‌ای از لابی تکه پارچه کثیفی ببینید که روی زمین افتاده است، تمام زرق و برق آن هتل را فراموش کرده و به همان نقطه منفی توجه خواهید کرد. حتی بعدها که از اقامت لاکچری خود در آنجا یاد می‌کنید همواره آن پارچه کهنه در ذهنتان خواهد بود. در حالی که تقریبا تاثیر چندانی بر لذت بردن شما از امکانات رویایی آن هتل نداشته است.

این موضوع یعنی توجه به نقاط منفی همواره با ما است و معمولا هم زندگی را بر ما زهر می‌کند در حالی که در مقابل مسائل و دغدغه‌های بزرگ زندگی ارزشی ندارند.

بزرگترین خطری که توجه به نکته‌های منفی ریز و کم اهمیت ما را تهدید می‌کند ندیدن و از دست دادن فرصتهای بزرگ است.

یک بار در یکی از شرکتهایی که کار می‌کردم از سرویس بهداشتی قسمت مدیریت استفاده کردم که در آن سرمای زمستان آب گرم نداشت. موضوع را از آبدارچی جویا شدم با کمی مکث و لبخند جواب داد الان دو سال است که شیر آب گرم این سرویس خراب است ولی شما اولین فردی هستید که یادآوری می‌کنید. جالب این بود که سه نفر از اعضای هیات مدیره در آن واحد کار می‌کردند. پیش خودم فکر کردم این آقایان بقول معروف چیپ یا بی کلاس نیستند. بلکه دغدغه‌های بزرگتری مانند رشد و توسعه شرکت خود دارند.

منفی‌بینی یک ویژگی کاملا انسانی و همه آن را دارا هستند. بخشی کوچک به نام بادامه یا آمیگدال در مغز ما انسانها وجود دارد که کار اصلی آن پیدا کردن خطرات، منفی‌ها و آگاه‌سازی ما از آنها است.

این سیستم باعث بقای نسل و زنده ماندن ما می‌شود. در طول هزاران سال مثبت نگرها همواره از بین رفته‌اند و ما از نیاکان منفی‌بینی هستیم که زنده مانده‌اند. ولی امروزه این منفی‌بینی باعث می‌شود فرصتهای بزرگتر را نبینیم. از بیکاری داریم دیوانه می‌شویم ولی به مدت کوتاهی بعد از پیدا کردن کار رویایی‌مان شروع می‌کنیم از آن ایراد گرفتن: حقوق که هر ماه دیرتر واریز می‌شود، دور از خانه هم هست، ساعت کاری آن هم زیاد است و همین طور قطاری از این ایرادات.

مسلما منظور این نیست که هر شرایطی را بپذیریم و برای بهتر شدن اقدامی نکنیم. منظور این است که ببینیم شرایطی که در آن هستیم کدام هدف غایی ما را برآورده می‌کند. اگر شرایطی که در آن قرار داریم قرار است پلکان ترقی ما باشد دیگر به منفی‌های آن فکر نکنیم. وقتی در چیزی کوچک نکته‌ای منفی می‌بینیم این جمله را به خود یادآوری کنیم: «دغدغه‌های بزرگ داشته باش». اگر هدف اصلی تو از شغل الانات یادگیری است دیگر هر روز به حقوق کم آن گیر نده. اگر با کار در گرمای جنوب می‌توانی در زمستان سرد شهر خودت لباس گرم بر تن بچهات کنی دغدغه بزرگ تو این است.

وقتی انگلیسی‌های استعمارگر در پنج قاره از سرمای کانادا تا گرمای آفریقا، آسیا و استرالیا در سخترین شرایط با جغرافیا و مردم محلی می‌جنگیدند، به آن شرایط به فکر نمی‌کردند بلکه تنها یک دغدغه بزرگ داشتند: کشتی های ثروت که به انگلستان می‌رفت.

طنز

مولانا استاد حمید از اعاظم و اکابر بلاد دشتی

الاحقر مهدی الجهانبخشان



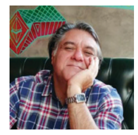
آن مرد سعید، آن عاشق اعمال بعید، آن نه در جثه رشید، آن هنوز حَیّ نشده فقید، مولانا استاد حمید از اعاظم و اکابر بلاد دشتی بود که مدتی نه چندان اندک بر اداره ارشاد اسلامی خورموج حاکمیت داشت و راویان چنین گویند که در دوره ریاستش کتاب بسی قرب و منزلت یافت و در همه مساجد و روستاها و مدارس و ادارات و حتی اندر محل کار وسمه‌گران نیز کتابخانه برپا گردید. دوران کودکی بسیار پرمخاطره‌ای داشت؛ در ابتدای ورودش به زندگی شیر مادر بر او قطع گردید بقسمی که پدرکه در دول عربی به کار مشغول بود، نگله نگله شیر خشک از آن بلاد برایش به خورموج می فرستاد مگر از گرسنگی نمیرد و همه آن شیورخشک (جمع خودساخته شیر) را همشیره تناول می فرمود لیکن با معجزاتی حمید به ملکوت اعلا نپیوست.



از او هزار درد و بلا دور گردید چرا؟ چون خود درد و بلایی بود از بهر خانواده. گویند برای اندک بهانه‌ای، کلیه پای افزار را در چاه منزل می انداخت و نیز گفته اند چون به خواسته‌اش که همانا ابتیاع توپ پلاستیکی بود عمل نشد، هر شیشه منزل همسایه که در تیرس توپخانه‌اش بود با سنگ گلوله باران میفرمود و خانواده در ازای عدم ابتیاع توپ ده ریالی، ده هزار ریال غرامت به همسایگان می‌پرداخت.

صورتگران چین و ماچین که از وی تمثالی نقش زده‌اند و هم اکنون در موزه لوور فرانسه نگهداری می‌شود، اورا در هیئت آدمی‌ای ترسیم نموده‌اند که چشمانی رنگین و موهایی شلال و زرد رنگ و صورتی پراز شیطنت به چشم مخاطب می‌نشاند و کسی جرئت چپ چپ نگریستن بر تمثال وی را ندارد زیرا با سنگ سر را دو کپه می‌فرماید. لذا کم بازدیدترین تصویر در تمام موزه لوور فرانسه همین تمثال مبارک است.

منجمان چنین نقل کرده اندکه وی زاده پنج تیرماه سال شصت و پنج خورموج است که به میمنت زاده شدنش، خشکسالی و فلاکت دامن دشتی را گرفت و همه غارهای کوه نمک ریزش کرد و به انسداد ختم گردید و در آن سال وفور پَشه، مردم را واداشت که سال، را سال پشه‌ای بنامند. آن در زمره اوتاد آن رئیس اسبق ارشاد، آن مرد خاره‌ای، مولانا حمید زارعی هم اکنون در اداره ارشاد بوشهر، عاطل و باطل و ملبس به کُت و شلوار، پشت میزی به جُرت زدن و خمیازه کشیدن اهتمام دارد. ما که خود تذکره نویس بلاد جنوب هستیم از ترس جانمان به آن شاعر بی‌دیوان، تولدش را اجباراً مبارکباد عرض می‌نمائیم.



معرفی فیلم‌های کاندیدا و برنده اسکار بهترین فیلم بین المللی(خارجی) ۲۰۲۳ :

فیلم‌هائی برای دیدن

مهدی غضنفری

آکادمی اسکار درنود و پنجمین دوره‌اش و در دور مقدماتی ۱۵ فیلم را برای بخش اسکار بین‌المللی(خارجی) معرفی کرد که در نهایت ۵ فیلم را برای دور نهایی برگزید.

نزدیک Close (لوکاس دونت) / بلژیک

«نزدیک» پیش از کاندیدای نهایی شدن برای اسکار بین المللی (یا خارجی) جایزه بزرگ جشنواره فیلم کن نیز در کارنامه داشت. فیلم درباره رابطه دوستانه دو پسر نوجوان است که هم کلاسی هایشان آنها را قضاوت می کنند و رابطه دوستانه شان را عاشقانه می پندارند. این اتفاق باعث می شود رابطه بچه ها دچار تزلزل شود و سرآخر به وضعیتی تراژیک بیانجامد. "نزدیک" فیلمی کوچک و مستقل است که در فرم خودش فیلم نسبتا کاملی محسوب می شود. (با تاکید جالب است، دیده شود).

دختر ساکت (آرام) The Quiet Girl (کالم بیرد) / ایرلند

«دختر ساکت» فیلمی کوچک و مستقل از سینمای ایرلند با ریتمی ملایم اما مناسب است. فیلم در رابطه با نحوه برخورد با کودکان در خانواده است. "دختر ساکت" مفهوم خانواده کلاسیک را رسما به چالش می‌کشد و از مفهوم آشنای خانواده، آشنازدایی می‌نماید. داستان فیلم در دهه هشتاد رخ می دهد و مونولوگ سکانس پایانی فیلم، خیلی موثر است. (با تاکید جالب است، دیده شود).

در جبهه غرب خبری نیست All Quiet on the Western Front (ادوارد برگر) / آلمان

«در جبهه غرب خبری نیست» برنده اسکار بهترین فیلم بین المللی(خارجی) ۲۰۲۳ است. بازی "دانیل برول" بازیگر نقش اول فیلم موثر است. کارگردانی (و کارگردانی صحنه های نبرد) همراه با طراحی صحنه و فیلمبرداری چشم نواز فیلم، قابل اشاره است. "در جهبه غرب.

"اقتباس ادبی است و فیلمی ضد جنگ محسوب می‌شود.

(جالب است، دیده شود).

عِی عُو EO یا IO (یژی اسکولیموفسکی) / لهستان

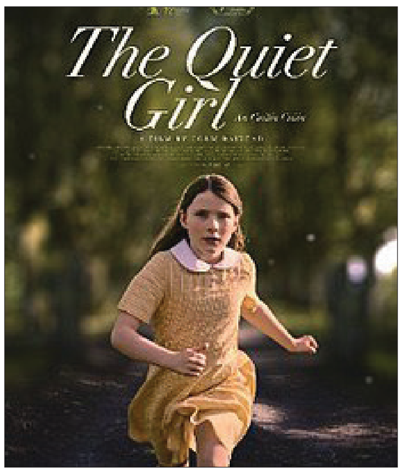
«عِی عُو» پیشتر جایزه هیئت داوران جشنواره فیلم کن را نیز دریافت کرده بود. فیلم ادامه ای بر فیلم های الاغی! تاریخ سینماست.(مشهورترین فیلم الاغی تاریخ سینما بی تردید "موشت" ساخته روبر برسون است.) طبعا فیلم بشدت نمادین است و فیلمساز تلاش می کند با تاکید بر روی مصائب و مشکلات الاغ فیلم به مصائب و مشکلات بشری اشاره نماید.فیلم با اینکه بشدت نمایشی است اما فیلمساز رویکردی مستند نما نیز دارد. این مستندنمایی (شاید برای تاثیر بیشتر) در بعضی از سکانس ها اذیت می کند و اقناع کننده نیست. (با تسامح جالب است، دیده شود).

آرژانتین ۱۹۸۵ (سانتیاگو میتره) 1985 Argentina / آرژانتین

اولین رونمایی از «آرژانتین ۱۹۸۵» در جشنواره فیلم ونیز بود.فیلم پیش از کاندیدای نهایی شدن برای بهترین فیلم اسکار بین المللی، برنده بهترین فیلم خارجی گلدن گلوب نیز شده بود. در آرژانتین ۱۹۸۵ "ریکاردو دارین" بازیگر مشهور سینمای آمریکای لاتین نقش دادستان را ایفا می کند. فیلم درباره محاکمه مسئولان دولت نظامی آرژانتین در سالهای ۱۹۷۳ الی ۱۹۸۳ است. "آرژانتین ۱۹۸۵" درباره همه آنانی است که تلاش کردند بر تاریکی تاریخی نور بتابند تا حقیقت (یا بخشی از آن) شکوفه دهد. فیلم درباره مادران میدان مایو (روسری سفیدها) هم است. مادرانی که بچه های شان ربوده و کشته شدند و هیچ گاه جسدشان پیدا نشد. فیلم درامی دادگاهی است که البته فیلمساز موفق نشده است خیلی شور و نشاط و امیدی که همزمان با دادگاه در آرژانتین آن سالها در جریان بوده است را منتقل نماید.

(با تسامح جالب است، دیده شود).

معرفی و ارزشگذاری پنج فیلم دیگر دور مقدماتی اسکار بهترین فیلم بین المللی(خارجی) که به دور



نهایی راه پیدا نکردند:

کورساژ Corsage (ماری کروتزر) / اتریش

«کورساژ » فیلمی زندگی نامه ای و کاراکتر محور درباره ملکه اتریش در اواخر قرن هجده میلادی ۱۸۷۷ است که به عنوان ملکه زیبایی و مد نیز مشهور بود. زنی جسور و خلاف آمد زمان که پایانی تراژیک داشت. بازی بازیگر فیلم "ویکی کریپس" همراه با طراحی صحنه و کارگردانی استانداردش قابل اشاره است. (جالب است، دیده شود).

تصمیم به جدایی (ترک کردن) یا (عزم رفتن) Decision to Leave (پارک چان ووک) /کره جنوبی

«تصمیم به جدایی» در ژانر پلیسی، معمایی با طعمی رومانتیک، عاشقانه است.فیلم با میزانس های پیچیده و طراحی صحنه و فیلمبرداری چشم نواز مخاطب را گیر می اندازد تا از جنون واژه عشق پرده برداری نماید. اولین رونمایی از فیلم در بخش مسابقه جشنواره کن بود که جایزه کارگردانی را نصیب فیلم کرد. روایت فیلم فقط در قامت ژانر پلیسی،معمایی باقی نمی ماند و بین ژانرهای دیگر نیز رفت و آمد دارد. فیلم از جایی به بعد مرز واقعیت و رویا را بر می دارد تا به پایان کابوس گونه فعلی برسد.(با اینکه اقناع کننده نیست) "تصمیم به جدایی" بعد از سالها بیشترین نزدیکی را به فیلمی مهم در تاریخ سینما دارد. کدام فیلم؟ "سرگیجه"ساخته آلفرد هیچکاک. (جالب است، دیده شود).

سن (سنت) اومر (عمر) Saint Omer (آلیس دیوپ) / فرانسه

«سن اومر» درامی دادگاهی است.فیلم آشکارا در راستای پذیرفتن فرهنگ های مختلف (حتی خرده فرهنگ ها) و احقاق حقوق زنان زجر کشیده است. مادری سنگالی در فرانسه متهم به قتل فرزندش شده است.(گفته می شود او از سر استیصال بچه اش را به دریا سپرده است.) اکنون دادگاه صحت این روایت و روایت نحوه ارتباطش با همسر فرانسوی و کهن سالش را پی گیری می کند. راوی فیلم بانویی باردار و نویسنده است که در دادگاه حضور پیدا کرده است. فیلمساز پیش از این فیلم داستانی، چندین فیلم مستند نیز در کارنامه دارد.جالب آنکه پیشتر خودش هم در محاکمه بانویی متهم به قتل شرکت کرده بود. فیلم اولین ساخته کارگردانش است که در جشنواره فیلم ونیز موفق به کسب جایزه بزرگ ویژه هیئت داوران و جایزه شیر آینده (لوییجی دی لورنتیس) برای اولین کارگردانی شد.

(با تسامح جالب است، دیده شود).

باردو، وقایع‌نگاری نادرست یک مشت حقیقت Bardo, False Chronicle of a Handful of Truths (الخاندرو گونزالس ایناریتو) / مکزیک

«باردو» درامی تاریخی با طعمی کمدی است. فیلم رسما ضربه پاست.!؟ به نظر می رسد حواس فیلمساز بیش از آنکه به روایت متعادل قصه اش باشد درگیر ضربه و قدرت پای اش(تکنیک و میزانس های پیچیده) بوده است! (در فوتبال باید گوش ها برای فورواردها توپ سانتر کنند تا با گلزنی آنها تماشاگران به هیجان بیایند. اما شاید برای یکی دو بار اگر گوش ها توپ را سانتر نکنند و توپ را از استادیوم به بیرون ارسال کنند نیز تماشاگران از قدرت و ضربه پا فوتبالیست به هیجان بیایند.! پیشتر فیلمساز در فیلم های قبلی و در رویکردی متعادل ضربه پاهای روایی، تکنیکی و میزانسی..را ارائه کرده بود اما در این فیلم بی وقفه فقط مشغول یک کار است. کدام کار؟ نشان دادن ضربه پاست!) فیلم درباره تاریخ مکزیک و ارتباط حال با گذشته و شاید آینده است. بازیگر فیلم "دانیل خیمنس کاچو" به شکل عجیبی غیر سمپات است.! فیلم درباره روزنامه نگاری مکزیکی است که در آمریکا موفق شده و اکنون به مکزیک بازگشته است.(فیلم رسما حدیث نفس کارگردان است.) میزانس های پیچیده کارگردان در هماهنگی با بازیگر و گروه بازیگران با طراحی صحنه و فیلمبرداری چشم نواز (فیلمبردار فیلم داریوش خنجی است. او فرانسوی اما ایرانی تبار است.) در اجرا بدلیل غیر سمپات بودن بازیگر فیلم نابود شده است. فیلم بیش از آنکه نشان از دلبری باشد و دلبری کند باعث دلگیری است. طبعا فیلم سکانس های باشکوه جدا از روند فرمال فیلم هم دارد اما در مجموع "باردو" که همه مصالح موفقیت را دارد ضعیف ترین فیلم کارنامه فیلمساز محسوب می شود.

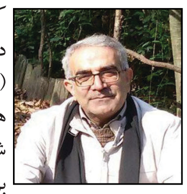
(اصراری نیست دیده شود).

عنکبوت مقدس Holy Spider (علی عباسی)/ دانمارک

«عنکبوت مقدس» فیلمی جنایی، پلیسی است. فیلم درباره قاتل زنجیره ای مشهد در سالهای گذشته است که زنان روسپی را بی جان می کرد و این قصه پر غصه را ماموریتی الهی می پنداشت. داستان فیلم هم پیشتر به شکل مستند روایت شده است ("و عنکبوت آمد" ساخته مازیار بهاری ۲۰۰۱) و هم فیلم داستانی اش ("عنکبوت" ساخته ابراهیم ایرج زاد ۱۳۹۸) در ایران اکران شده است. طبعا "عنکبوت مقدس" چون در خارج از ایران تولید و اکران شده است دست فیلمساز نسبت به همکاران ایرانی اش که در داخل کشور کار می کنند برای نمایش زنان روسپی بازتر بوده است. فیلم با اینکه در زمینه مستندنمایی از ایران و شهر مشهد نسبت به آثار مشابه کمی بهتر عمل کرده است اما هنوز مشکلاتی وجود دارد. بازیگر زن نقش اول فیلم "زر امیر ابراهیمی"(او بدلیل ویدیو خصوصی ای که سالها پیش از او منتشر شد خیلی رنج کشید و عاقبت مجبور به تبعیدی خود خواسته به اروپا شد.) جایزه بهترین بازیگر زن را از جشنواره کن ربود که به نظر نگارنده بیش از آنکه مربوط به بازی او در فیلم باشد بدلیل رنج ها و انزوای گذشته اش بود. (اصراری نیست دیده شود).

از ر.اعتمادی تا میلان کوندرا

دکتر سعید معدنی



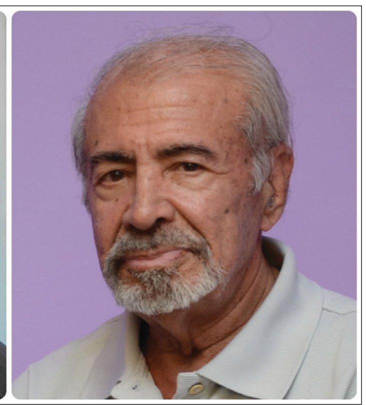
کتاب خواندن در دوره نوجوانی ما (دهه‌ی ۵۰) برای هرکس جوری شروع می‌شد. برخی با ذبیح الله منصوری و امثالهم با کتاب آشنا می‌شدند. بسیاری هم مثل ما نوجوانی را با آثار ر.اعتمادی، میرسعید قاضی، کوروس بابایی با رمان «امشب اشکی می‌ریزد» و... شروع کردند. در آن سالها کتاب‌های «دختر خوشگل دانشکده من» و «شب ایرانی» ر. اعتمادی بیشتر خوانده می شد.

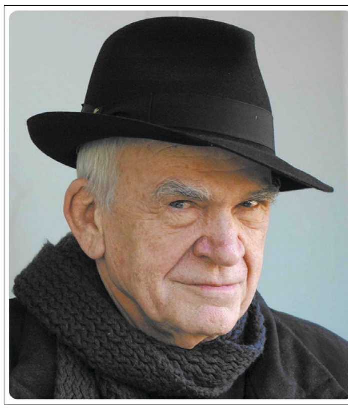
یادم هست «شب ایرانی» را تا نیمه ها خوانده بودم دوستم ناصر که همیشه سر کلاس در یک میز کنار هم می نشستیم، کتاب را از دستم گرفت چند صفحه اولش را خواند و گفت: «این کتابو زود می خونم و برات میارم.» هرچقدر اصرار کردم نشد. دوست بود و هست. دوست نازنین. نمی شد دلش را شکست. کتاب را برد و ما را در خماری نیمه داستان گذاشت. چند روز بعد کتاب را آورد و حالش از آخر قصه غم زده بود. هر چقدر اصرار کردم ادامه و آخر داستان را نگفت و بقول جوان‌های امروز اسپویل نکرد، تا این که من هم خواندن کتاب را تمام کردم. مدت ها باهم در باره فضاهای رمانتیک و تراژیک داستان و شخصیت‌ها صحبت می‌کردیم. شخصیت های رمان «شب ایرانی» در آن حال و هوای نوجوانی مدتی با ما زندگی می کردند.

فضای انقلاب اسلامی۱۳۵۷، ما را با قصه‌های انقلابی و متون متعهد مارکسیستی و اسلامی آشنا کرد که گل سرسبد آنها در میان نویسندگان قصه نویس مسلمان محمود حکیمی بود. آثار او یک نوع زیست مسلمانی پاک و متعهدانه و بهداشتی! بود. بهرحال آن دوران مثل همیشه‌ی زندگی زود سپری شد. اما اولین رمانی که خیلی زود خواندم و لذت یک قصه را چشیدم و توقع من از رمان را تا چند پله بالا برد کتاب «تنگسیر» نوشته‌ی صادق چوبک بود. پس از آن مثل خیلی‌ها بعدها در بین نویسندگان ایرانی با صادق هدایت و آل احمد و احمد محمود و... و در میان خارجی ها با رومن رولان و داستایفسکی و میلان کوندرا و... آشنا شدیم و آثارشان را خواندیم.

اتفاقا همزمان با خبر درگذشت رجب‌علی اعتمادی (ر.اعتمادی) در ۹۰ سالگی، از مرگ میلان کوندرا هم در ۹۴ سالگی باخبر شدیم. کتاب‌های جاودانگی، بار هستی، شوخی، عشق های خنده‌دار و.... از این نویسنده مهم، تاثیرگذار و مطرح جهانی را خوانده‌ام.

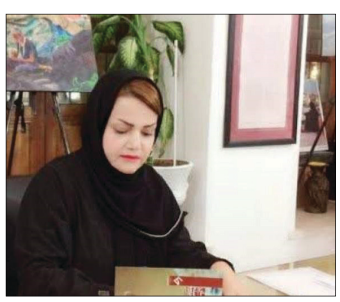
متن‌های امثال ر.اعتمادی عامیانه، عاشقانه و جذاب برای نوجوانی بود که البته بعد از انقلاب مبتذل تلقی شد و ممنوع الچاپ شدند. اما کتاب‌های میلان کوندرا پر از نکات فلسفی و طرح گره‌های روانی – اجتماعی انسان مدرن در دنیای امروز است. نسل ما قصه و رمان خواندن را با امثال ر.اعتمادی شروع کرد و به امثال میلان کوندرا رسید. یاد هر دو نویسنده گرامی باد.





نویسنده «زن به روایت زن» خبر داد؛

تألیف کتاب سردبیران و دبیران خبری زن استان بوشهر



نویسنده و روزنامه‌نگار بوشهری از انتشار اثری درباره زنان سردبیر و دبیر خبر در رسانه‌های مکتوب و برخط استان بوشهر تا پایان سال ۱۴۰۲ خبر داد.

سهیلا شعبانی در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر گفت: این کتاب درباره زنان موثر در رسانه استان بوشهر از دوران پیش از انقلاب تا دوره کنونی است که در حال حاضر در مرحله تکمیل اطلاعات و مستندات و نگارش قرار دارد.

وی افزود: زنانی که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده، روزنامه‌نگاران و خبرنگارانی هستند که در روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و خبرگزاری‌های استان به‌عنوان سردبیر، دبیر صفحه و ستون‌نویس فعالیت داشته‌اند.

نویسنده کتاب «زن به روایت زن» با اشاره اینکه نگارش این کتاب از سال ۱۴۰۰ با پردازش زیست رسانه‌ای ۱۲ بانوی روزنامه‌نگار و خبرنگار استان آغاز شده، تصریح کرد: این آمار در حال به‌روزرسانی است و همین مسئله موجب کندی تدوین کتاب شده که امیدوارم با همکاری بانوان رسانه‌ای، فرایند نگارش کتاب و تکمیل اطلاعات با سرعت بیشتری پیش برود.

به گفته شعبانی، حضور بانوان در رسانه استان موجب تحول چشمگیری در سطح کیفی آن شده است؛ چراکه اغلب با دانش و تخصص به موضوعات روز و مهم جامعه می‌پردازند و این حضور موجب شده تا فضا برای دیگر بانوان دوستدار حوزه خبر در رسانه‌های استان بیش از قبل مهیا شود.

وی که پیش از این کتاب «زن به روایت زن» را که نخستین اثر درباره زنان خبرنگار و رسانه‌ای استان بوشهر به‌شمار می‌رود، به همت انتشارات «زمزه‌های روشن» روانه بازار کتاب کرده، در خصوص انگیزه‌اش از تولید اثر دیگری در این حوزه با نگاه خاص‌تر، بیان کرد: با توجه به این که سال‌ها در حوزه زنان فعالیت کرده‌ام، متوجه شدم در آثار بومی تحت تاثیر نگاه سنتی و مردسالار جامعه بوشهر در دهه‌های گذشته، کمتر ردی از زنان است، از این‌رو، درصدد برآمدم تا از زنان، آن هم زنان رسانه بنویسم.

پنج رتبه کشوری جشنواره نوجوان سالم به دانش‌آموزان بوشهری رسید

معاون پرورشی و فرهنگی آموزش وپرورش استان بوشهر گفت: پنج رتبه برتر کشوری دوازدهمین جشنواره نوجوان سالم به دانش‌آموزان و فرهنگیان این استان رسید. به گزارش ایرنا، محمود حقدوست در گفت‌وگو با خبرنگاران اظهار کرد: فاطمه شفیعی از شهرستان دشتستان موفق به کسب رتبه سوم بخش خلاقیت‌های دانش‌آموزی در رشته مداد رنگی شد.

وی افزود: رتبه دوم در بخش ابتکارات مدرسه‌ای کارکنان و در رشته محصولات فرهنگی به زهرا رام از معلمان شهرستان بوشهر رسید.

حقدوست با اشاره به کسب سه رتبه در بخش ابتکارات جامعه محور(یاریگران زندگی) در استان بوشهر گفت: کارکنان و دانش‌آموزان مدرسه ابتدایی ناخدا عباس شهرستان بوشهر به رتبه اول رشته اجرا و مستند سازی پروژه کوچک این جشنواره دست یافتند.

معاون پرورشی و فرهنگی آموزش و پرورش استان بوشهر ادامه داد: هیات داوران دوازدهمین جشنواره سالم آثار ارائه شده از سوی مدرسه‌های حوا و محدثه شهرستان بوشهر در رشته تدوین نیمرخ چالش‌ها و راهکارها و ایده‌ها را شایسته تقدیر معرفی کرد.

قصه کوتاه

مِلُو

شاهرخ تنگسیری



روزی که دست سرنوشت گسلِ ناکو پاکستانی گرفت و بندر به بندر کشوندش َتا تابُکِ اسکلهٔ جبری کرد جمو مینووی هم مث همه ی جاشوا لنگوته ش دور قِدش بید و پیچانه ش تو دسش تو خور دی سیفو از جهاز پیاده شد و پاش نهاد رو خشکی تا یه کارکتر دیگه به قصه و آدمای بندر اضافه بشه، یه راست رفت پاسگاه و خوش به استوار بکتاش معرفی کرد و فهمید که حدش تا برج مقومن.

عالی آبادِیا جلدی کمکش کردن تا جمو کپرش پشت دیوار مدرسهٔ مستوره کُرد عّلم کرد و خیلی زود با همه انس و الفت گرفت، بوشهر ایجورین، غریبه، پاش برسه اینجا از خودی هم خودی تر میشه، مخصوصا اگه تبعیدی باشه حرمتش دو بیشترن تا مبادا زهر غربت لیلامش کنه، فرقی نمی‌کرد تبعیدی قتل تو پرونده‌اش باشه یا سیاسی باشه یا اصلا هرکی به جرم هر گناه کرده و ناکرده حکمش بوشهر خورده باشه، اینجا که می‌رسید نه پیشینه خلاف و نه اعتقادات سیاسیش بکارش میومد با یه آدم عادی هیچ فرقی نمی‌کرد، شاید بخاطر همی آخرین لنگرگاه تمام ادیان و مکاتب و مذاهب بشرن، اینجا هیچکی غریبه و گمنام نی، یه جوری همه با یه اسم و نشون خاصی می‌شناسنت، بقول دی جیجو: «اینجا شهر آخر الزمانن هرکی ساکنش شد دیگه موندگار دائمن»، برخلاف تصور قاضی، تبعیدی هیچ وقت به زمین گرم نمی‌شینه مخصوصا وقتی تبعیدی از جنس جمو باشه تبعیدگات بوشهر و کپرت تو صبخزار جبری دیگه عیشتن، جمو خیلی زود هم ولاتیش عبدالله مینووی که چندسال جلوتر اومده بید و ساکن بوشهر شده بید پیدا کرد، بگو کجا؟ پشت میز زیر سایه لوکه یاس سرخو وسط کافه حیدرک درست بغل دست چوبک، پرویزی، بیابانی، نعمتی‌زاده، کلامو، ملاله، هراروت، بکتاش و خیلیای دیگه نشسه بید و سی اولین بار تو عمرش مزه پالوده با طعم اوو لیمو و شعر و قصه و روات زیر دندونش تجربه می کرد و سی یه لحظه عطش یه عمر سوری دریا و شرجی و گرما از دلش پاک می کرد، ماجرای ابّر کردن زندانی فراری و تبعیدش به بوشهر سی عبدالله گفته بید، حکمش پنج سال بوشهر بید و سه سال خلخال، از سحر صبح تا پسین تو جهازا موزیری می کرد و مغرب می‌رفت هلِ دکون عبدالله مینووی و بعدش تو کپرش، یا لیل یالیل می‌خوند وبا َدل خوش ورار میکرد، علیباش پاسبان مهمون هر شو جمو بید و به بهونه آمارگیری می‌اومد و می‌رفت و آخر شو سیش می گفت : جمو یادت نره صبح گه حتما بیو پاسگاه امضا کن شّر استوار بکتاش تو خر خوت نکنی.

روزی که گله شترا تو صبخزار عالی آباد اطراق کرد جمو تو کپر دراز کشیده بید و با بادبزن باد خوش می‌کرد از دور سی ملو دید که از دیش شیر می‌خوره، عجیب مهرش تو دلش نشست، صاف رفت سراغ رمضوِن جَط و با یه پاکت چُی کلکته‌ای رضایتش گرفت و ملو از زیر کُمِ دی‌ش ورداشت و برد تو کپر، با گذشت تووسون و پائیز و زمسوَن و بهار ملو و جمو از بوا و بچه بهم بیشتر اُخت کرده بیدن، ملو یه تنه نگهبان تموم کیچه پس کیچه‌هی جبری شده بید و محال بید کسیِ از سر دیوار کسی بتنگه بالا، شوا بیرون کپر ناطوری می‌داد و صبح گه که جمو می‌رفت سرکار میومد سر جای جمو می‌خوسید تا وقتی وامیگشت، روزی که مرض خوره افتاده بید تو بندر و خیلیا پامال کرده بید، علفدون شده بید تبعیدگاه جزامیا، جمو دماغ و یه برد صورتش زخم و توول ورداشته بید و چرک و زرداب ازش بیرون می‌زد، زخماش نشون دکتر عادلی داد، فرساده بیدش بهداشت خوش معرفی کنه، فرداش جمو دوباره تبعید رو تبعید تجربه کرد و همراه ده دوازده مریض جزامی سوار ماشوه شدن به اتفاق دوتا مامور ژاندارمری سی همیشه بردنش علفدون. ملو گیج و گلعلو دیوونه وار وک می کرد و آرومی نداشت، نه از دست کسی نه اوو میخورد و نه نون، او فقط دنبال جمو می گشت و بس، همه شاهد بیدن که ملو ظهر گرما تو جنگِ اَفتو تشنه و گشنه تو کیچه ها می دوید و هَسکه می‌داد بلکه بو جمو به مشامش بخوره و آروم بشه ولی هیچ خبری از جمو نبید. فراق جمو کاری سر ملو اُورده بید که حیوون هر روز لعوض تر و لجمارتر می‌شد، هموسال خبری از اومدن گله شتر و رمضون جط هم نشد، استوار بکتاش حکم علیباش پاسبان کرده بید که برو کپر و هرچی توشن تش بزن، به محضی که علیباش پاش نهاد دم کپر دید که جسد بی جون ملو وسط کپر دراز افتاده، علیباش درِ گِلن نفتی باز کرد و دور تا دور کپر پاشید، یه ساعت بعد غیر یه مشت بلَتش هیچ اثری از کپر و ملو نبید، مو خوم با چیشی خوم دیدم علیباش پاسبان کلاه از سرش برداشته بید و دو کرپا تکه داده بید دیوار مدرسه و زار زار گریه می کرد.

برای ثبت در تاریخ

رویای امپراطوری فوتبال بوشهر

جمیل رزمی



گاهی وقت ها لازم است که آدم برای دل خودش دست به قلم شود و امروز این فرصت برای من فراهم شد تا خودم را به میهمانی تاریخ ورزش شهرعمارت ها، بوشهر دعوت کنم. مدتی است که کتابی نخوانده ام به همین دلیل در دنیای مجازی به دنبال مطلب قابلی برای خواندن می گشتم که خیلی اتفاقی چشمم به مطلبی درکانال «دلنوشته های یک ورزشی نویس افتاد» موضوع خیلی برایم جالب و قابل اعتنا آمد وآن را بهانه ای کردم برای آن چه که به دنبالش می گشتم. حسین وردیانی فوتبالیست سرشناس و پیشکسوت فوتبال بوشهر که زمانی هم سکاندار اول ورزش استان بود در مقاله‌ای که شاید آن را ازسر هشدار به تمامیت فوتبال بوشهر نوشته است این متن را با این عبارت قوی شروع کرده است «آقایان محض رضای خدا سهام باشگاه ایران جوان را واگذار نمائید». این عبارت آن قدر برای من به عنوان هوادار فوتبال شهرم دلچسب و تکان دهنده بود که بی اختیار لب به تحسینش گشودم. وردیانی در این سطور آینده باشگاه محبوب و مردمی ایرانجوان را به واگذاری سهام ، املاک و دارایی‌ها توسط سهامداران به اداره ورزش وجوانان می‌داند. او که عمر و جوانی خود را در راه اعتلای فوتبال بوشهر سپری کرده است با این تیتر نوید یک حرکت رو به جلو را داده است و من حرف ایشان را به مثابه سندی درخشان و قابل اعتناء در محاکم عقلانیت دانستم و از آن به عنوان بخشی ازیک پازل و معامله بزرگ که سرآغاز یک جنبش فکری تاثیر گذار در روند فوتبال بوشهر خواهد شد، یاد کردم که به نوعی می تواند باعث تحولی بزرگ در فوتبال این شهر گردد، دانستم.

اما با همه احترامی که برای ایشان و بزرگان فوتبال شهرم قائل هستم، برای من این سوال پیش آمد که بسیار خوب، حال که سهام باشگاه و دارائی‌های آن را واگذار کردید، باید ببینیم که پس از واگذاری سهام باشگاه چه برنامه ای در پیش‌رو دارید و قرار است که چه اتفاق خوبی برای این باشگاه ریشه دار ومردمی بیفتد؟ این سوال پهنای ذهن مرا به خود میگیرد که هضم آن برای من کمی دشوار است و من باید پاسخی در خور برای آن بیابم. برای این کار به سراغ آدم‌هایی می‌روم از جنس فوتبال، کسانی که می‌توانند سره را از ناسره تشخیص دهند و در این راه مراکمک کنند. پس از جستجوی فراوان به سراغ نادراقدام رفتم، او از ستارگان بی‌چون و چرای دهه چهل و پنجاه باشگاه ایرانجوان است. با او قرار یک گفتگو را می گذارم. از آقای اقدام می‌خواهم تا نظر خودش را در این خصوص بیان کند. وی اظهار داشت: «من این متن را خوانده‌ام و پاسخی در این مورد داده‌ام. البته این موضوع برمی‌گردد به سالها قبل که علت آن هم شیوه اداره کردن باشگاه ایرانجوان بوده است و من خودم این درخواست را پیشنهاد کرده‌ام. ماجرا از این قرار بود که من در یکی از جلسات باشگاه این پیشنهاد را مطرح کردم که دارایی‌ها و اموال باشگاه را برآورد اولیه کنیم و پس از طی مراحل حقوقی و قانونی و تعیین ارزش هر سهم آن را به صورت سهام به هواداران و پیشکسوتان واگذارگردد، در صورتی که این مهم صورت می گرفت مبالغ هنگفتی به حساب باشگاه سرازیر می‌شد. البته درخواست من از مجاری حقوقی و قانونی پیگیری نشد. در ادامه با تشکیل جلسه و یا جلساتی در غیاب من، سهام باشگاه را فقط به تعداد محدودی از پیشکسوتان باشگاه واگذار کردند که من از قبول هرگونه سهم پیشنهادی خودداری کردم. ضمنا با تحقیقاتی که به عمل آورده‌ام متوجه شده‌ام که باشگاه ایرانجوان بر اساس اساسنامه جدید خود در حال حاضر به صورت هیئت موسسان اداره می‌شود و آن‌ها بر اساس شرح وظایف خود به اداره باشگاه می‌پردازند، در واقع موسسان امانتدار باشگاه هستند و لذا پیشنهاد واگذاری باشگاه ایرانجوان به اداره ورزش و جوانان و یا هر سازمان و موسسه‌ای دیگر محلی از اعراب ندارد. اگرچه درحال حاضر هرگونه اسپانسر حقیقی یا حقوقی حاضر به همکاری با اداره باشگاه شود، طی شرایطی که مورد پذیرش هر دو طرف باشد مسلما هیئت موسسان می‌تواند جهت برون رفت از مشکلات مالی از این موضوع استقبال کند. لازم به ذکر است که باشگاه ایرانجوان دارای املاک بی‌نظیری درکنار استادیوم شهید بهشتی است که دارای موقعیت ممتازی است و در صورت سرمایه‌گذاری در همین املاک می‌توان بخش بزرگی از مشکلات باشگاه را مرتفع نماید».

از نادر اقدام خداحافظی می‌کنم و در مسیر بازگشت به خانه ذهنم همچنان درگیر این موضوع است. به کنار دریا می‌روم تاکمی آرام بگیرم، ماشینم را درکنار تل عاشقون پارک می‌کنم، نگاهی به دریا می‌اندازم، از صدای برخورد امواج ناآرام و فریاد خیال انگیز تماشاچیان حاضر در استادیوم سنفونی مردان مرد را در سکوت وهم ناک غروب جمعه می شنوم. لختی با خود می‌اندیشم و بیاد گذشته‌های باشکوه فوتبال شهرم، چشم‌هایم را بر هم می‌نهم و خود را به نسیم خاطره‌انگیز امپراطوری فوتبال بوشهر درگذشته‌های نه چندان دور می‌سپارم و با چشم دل نگاهی بر نقشی که فوتبال این قطعه از خاک خوب خدا بر فوتبال ایران انداخته، می‌اندازم و می‌بینم که بزرگان فوتبال بوشهر چه ردپایی از خود برجای گذاشته‌اند.

آن‌ها با آن سبک از بازی زیبای خود تماشاگران را در سرما و گرما به استادیوم پیر شهرمان می کشاندند و خاطره‌های شیرینی را برای مردم رقم می‌زدند و امروز ما باید به دنبال احیای همان امپراطوری قدرتمندمان باشیم. بنابراین نخست باید آن رویا را در دل و جان مردم کاشت وآن را چون دانه‌ای آبیاری کرد تا بزرگ و تناور گردد و آن را به عنوان خواست مردم، مطالبه و ترویج دهیم.

برای این کار باید نگاهی به جهان اطرفمان بیندازیم و از آن‌ها الگوبرداری کنیم.

درکشور انگلستان شهرهای کوچکی را سراغ داریم که پس از صد و اندی سال به لیگ برتر و سطح اول فوتبال انگلستان راه پیداکرده‌اند و سعی می‌کنندکه دستاوردهای خود را حفظ کنند و هنگامی که خوب و بادقت به عوامل موفقیت آن باشگاه دسته دومی و حتی دسته سومی می‌نگریم می‌بینیم تمام مردم آن شهر یک روح شده‌اند برای هویت بخشی به شهرشان، آوردن تیم‌های درجه اول فوتبال لیگ جزیره امثال منچستر، لیورپول، آرسنال به استادیوم کوچک شهرشان برای مردم آن شهر بیشتر شبیه یک خواب شیرین و رویا بود، اما در سایه تدبیر، تلاش جمعی و برنامه ریزی این مهم محقق شد و جالب آن که در آن روزی که تیم شهرشان مسابقه دارد استادیوم کوچک شهر مملو از جمعیت می‌شود. زن و مرد، پیرو جوان همه و همه لباس یکدست می‌پوشند و با شال گردن‌های منقش به آرم باشگاه به استادیوم می‌روند و سرود مخصوص باشگاهشان را می خوانند. درآن روز شهر درکانون توجه همگان قرار می گیرد، آمدن هواداران سایر تیم‌ها به آن شهر باعث رونق صنعت گردشگری همان شهر کوچک می‌شود، کشورهای کوچک و درجه دو آسیا مانند ویتنام وتایلند را نیز به خوبی شاهد هستیم که آن‌ها چگونه از فرصت پیش آمده توسط «ای اف سی» و «فیفا» و با رعایت شاخص‌های مورد نظر آن‌ها تحت حمایت قرار گرفته اند و روز به روز بر روند پیشرفتشان در عرصه فوتبال آسیا افزوده شده است.

بنابراین برای داشتن یک فوتبال حرفه‌ای باید بازیگران خوب و با تفکرات خوب حرفه‌ای داشته باشیم، هم حرفه‌ای فکرکنیم و هم حرفه‌ای عمل کنیم و اما چیزی که شهرمان بدان نیاز دارد هویت بخشی است که فوتبال می تواند در راه رسیدن به آن کمک شایان توجه‌ای به آن بنماید. با این اوصاف که گفته شد باید بدانیم که فوتبال این شهر باید گام اول را محکم و بلند بردارد.



تیم منتخب بوشهر سال ۱۳۴۴

ایستاده از راست: یدالله خراجی، غلامرضا بوالخیری، حسن قاسمی، محمدرضا سملیان، مجید چاهیبخش، محمدعلی درویشی (دلو)، احمد رزمی، مربی اکبر کبگانی.
نشسته از راست: محمدرضا محمدی، حسن جمالی، حسین ماهینی، غلام پورچنگی، احمد تورانی، باقر کرمی، محمدعلی برزین، زنده یاد عباس سالار.

من فکر می‌کنم می‌بایست نقشه راه را با استفاده از الگوی باشگاه‌های بزرگ جهان و به صورت بنیادین ترسیم کرد از جمله بخش‌هایی که خیلی قوی باید به آن ورود کرد بحث اسپانسر و راه‌های جذب آن‌ها برای حضور قدرتمند باشگاه‌های شهرمان می‌باشد بطوری که باید اقدامی عاجل برای جذب اسپانسرها شودکه الحمدالله از این دست حامیان را می‌توان به راحتی در جغرافیای زرخیز نفت و گاز بوشهر یافت. منتهی باید هوشیار باشیم که پای دلال‌ها به این ماجرای پاک کشیده نشود. ما نیازمند افرادی با شخصیت قوی و دستپاک برای ایجاد پل ارتباطی با این اسپانسرها هستیم که به برکت خاک زرخیز این استان به درآمدهای هنگفت و سرشاری رسیده‌اند.

همچنین در این مسیر باید از اهرم‌های قانونی که خوشبختانه به نفع ورزش استان هم وجود دارد به خوبی استفاده شود. ما نباید در جستجوی اسپانسرهای موقت و زود گذر باشیم وآگاه باشیم که فوتبال شهرمان هرگز در مسیر توسعه و پیشرفت استان‌مان گدایی نخواهد کرد، بلکه این حق قانونی مردم این دیاراست.

نکته‌ای که خیلی عاقلانه باید به آن نگاه کنیم این است که در حال حاضر شیوه تیم داری ما بی‌نهایت ضعیف است بنابراین بهتر است که قید هزینه کردن و داشتن تیم در رده بزرگسالان را بزنیم و به جد روی فوتبال پایه سرمایه گذاری کنیم و فرمول جدیدی را بر پایه فوتبال محلات بنا کنیم و فوتبال محلات را به عنوان یک رکن بپذیریم و آن را تقویت کنیم و آن‌گاه خواهیم دید که چه استعدادهای نابی چون سرو سر بر اوج خواهند کشید. اگربه تاریخ فوتبال بوشهر نگاهی از سرشوق بیندازید متوجه خواهید شد که رکن دیگر فوتبال بوشهر مسابقات آموزشگاهی بوده است و باز هم باید اعتراف کنم که وجود یک دربی درخشان میان دوتیم بزرگ شاهین و ایرانجوان که از حساسیت بالایی نیز برخودار می‌باشد و به نوعی یک «ال کلاسیکو» محسوب می‌شود ابزاری هستند که می‌توانند باعث شود تا فوتبال شهرمان سالیان سال در رده قدرتهای بزرگ فوتبال ایران قرار بگیرد و بازیکنان ارزشمندی را به عرصه فوتبال ملی معرفی کند.



فوتبال بوشهر یکی از قدیمی‌ترین دربی‌های کشور را در دل خود نهفته دارد وجود این دربی بزرگ می‌تواند باعث تلاش هر چه بیشتر فوتبالیست‌های جوان و نخبه برای بهتر دیده شدن است. شوربختانه هر دو باشگاه شاهین و ایران جوان فاقد این درک والا از تاثیر دربی در شکوفایی، رشد و بالندگی فوتبال شهرمان هستند، چیزی که می‌تواند شادابی و طراوت را برای مردم فوتبال‌دوست به ارمغان بیاورد. انجام بازی‌های بزرگ میان دو تیم پرطرفدار میتواند کمک زیادی به حضور جوانان و نوجوانان در محیط‌های سالم ورزشی و پرهیز از بزهکاری و هنجارشکنی آنان کند که این خود سبب تخلیه هیجانات و سلامت روانی آنها می‌شود. دیگر این که این دربی متعلق به شهر بوشهر نخواهد بود. شاهین و ایرانجوان قلب تپنده فوتبال در سراسر استان خواهند بود و پسران سرزمین آفتاب سایه به سایه مهدی طارمی؛ شاهزاده سرزمین پارس بادبان‌های افتخار را برافراشته خواهند کرد.

جان کلام آن‌که باید بدانیم برای کارهای بزرگ نیاز به مردان بزرگ و با جسارت داریم.

در اولین همایش «دُرّان دریا»؛

فعالان ورزشی در بوشهر تجلیل شدند



با حضور محمد انصاری بازیکن اسبق تیم ملی فوتبال ایران و پرسپولیس از مجموعه‌های ورزشی شهرستان بوشهر همایش دران دریا در شهر بوشهر برگزار شد. مراسم تجلیل از برخی فعالان ورزشی شهرستان بوشهر در قالب همایش «دُرّان دریا» برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مهر، دبیر مجمع عالی ورزش کشور در همایش «دُرّان دریا» اظهار داشت: باشگاه داران و ورزشکارانی که علاوه بر مقوله ورزش به فعالیت اجتماعی و خدمت به مردم از هر گونه تلاشی دریغ نمی‌کنند جامعه هدف در همایش دران دریا بودند که در این مراسم به پاس زحماتی که در دوران کرونا و دیگر فعالیت مردمی انجام داده بودند تقدیر و تجلیل شد.

عظیم کریمی خاطرنشان کرد: مجمع مردمی ورزش به عنوان حلقه میانی بین مردم و حاکمیت فعالیت خود را انجام می‌دهد و با همراهی و مساعدت ادارت و بخش خصوصی کارهای ارزشمندی انجام بدهیم. به دنبال آن هستیم که کمبودها و موضوعاتی که به دست مردم حل می‌شود را حل کنیم.

وی با اشاره به اهمیت همراهی ادارات در این رویدادها خاطرنشان کرد: در ورزش متولی اداره کل ورزش و جوانان است ولی فضاهایی مغفول مانده است که با همکاری مردم و دیگر ادارات این برنامه را در شهر بوشهر اجرا کردیم.

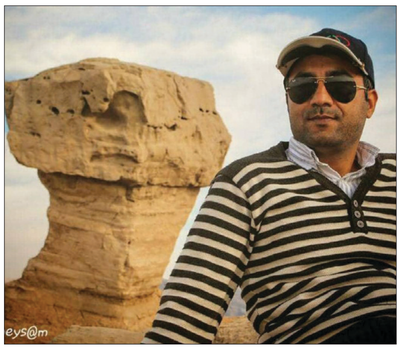
منیر راستیان، مهدی بهرام پور، کوروش غریبی، قاسم نگار باشی، رسول جمالی، طیبه آستانه، عبدالمهدی حقانی فرد، مجید فخری مقدم، منیره سعیدنیا، جعفر رئیسی، مهران فرامرزی و بخش ویژه «محمد انصاری» به پاس روحیه پهلوانی تقدیر و تجلیل به عمل آمد.

در این مراسم ساسان نوذری و امین فرامرزی خواننده‌های انقلابی و بهروز خلیلی پور «مرشد زور خانه‌های بوشهر» به اجرای برنامه پرداختند.

مصاحبه نسیم جنوب با میثم حبشی، عکاس طبیعت در استان بوشهر:

عکاسی در طبیعت من را مجنون و از این عالم جدا می‌کند

مصاحبه از نسیم فقیه



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– میثم حبشی هستم از تنگستان و شهر اهرم.

– چه شد که به عکاسی علاقمند شدید؟

– از دوران کودکی معمولاً هر کسی علاقه به دوربین و عکس گرفتن دارد که منم از این قاعده مستثنی نبودم و شکل گیری آن ریشه در کودکی و بعدها این علاقه ادامه‌دار بوده است.

– اولین عکس‌های که گرفتید چه بودند؟

– اولین عکس‌ها بیشتر از طبیعت بودند، خاص کلوتها و سواحل بوشهر.

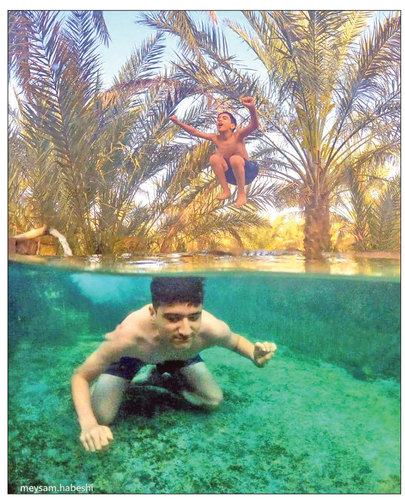
– برای عکاسی آیا آموزشی هم دیدید؟

– خیر همگی خودآموز و با مطالعه شخصی و کتب دانشگاهی، هر چند راهنمایی اساتید و دوستان خبره عکاسی پرتاثیر بوده است.

– چه شد که به عکاسی در طبیعت علاقمند شدید؟

– من فرزند نخلستان هستم و در شهری شبه جزیره‌ای نخلستانی بزرگ شدم، در کوهستان ستبر بیرمی نفس کشیدم و در زیبایی‌های استان عزیزم بوشهر همیشه غوطه‌ور بودم، قطعا تلفیق علاقه به عکاسی و طبیعت این راه را به پیش پایم باز نمود.

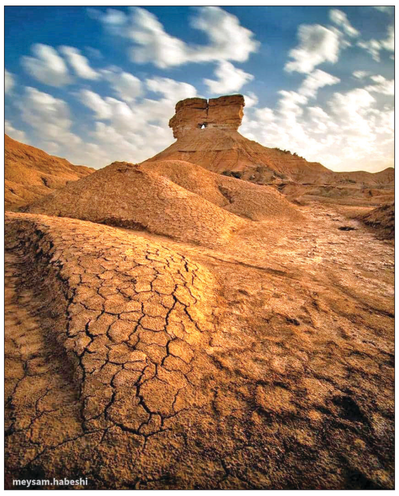
– سوژه‌های خود را چگونه انتخاب می کنید؟



– به چند روش؛ اول این که در ذهنم سناریو می‌چینم بعد با جستجو و تجسس لوکیشن را پیدا می‌کنم و در شرایط ایده‌ال نوری و آب هوایی ثبتش می‌کنم که گاها این پروسه دوسال هم طول می‌کشد، گاهی هم با دیدن لوکیشنی تو ذهنم ذخیره می‌کنم و تو شرایط ایده‌ال می‌روم سراغش، گاهی گذری و اتفاقی و بیشتر خود پروردگار و طبیعت باید رخ‌نمایی کند و لطف شامل حال آدم بشود و فتح باب صورت بگیرد.

– استان بوشهر چه پتانسیل‌هایی برای عکاسی در طبیعت دارد؟

– بی تعصب عرض کنم که استان بوشهر فوق العاده



است در تنوع طبیعت و تراکم جاذبه‌های طبیعی، کلوت سواحل صخره‌ای و ماسه‌ای، کوه نمک، نخلستان‌ها، چشمه‌های آب شیرین و آب گرم، دریا و جنگل و... .

– حس و حال طبیعت گردی و عکاسی در آن چگونه است؟

– قابل شرح و توصیف نیست، من را مجنون می کند و از این عالم جدا می کند.

– برای عکاسی در طبیعت چه نکاتی را باید رعایت کرد و چه توصیه‌هایی در این زمینه دارید؟

– عکاسی طبیعت و منظره مستلزم نکات و امکانات زیادی است. عجین بودن با طبیعت و دانستن مخاطرات و رعایت اصول ایمنی و داشتن آمادگی بدنی و بالا بودن دانش عکاسی توام با دانش طبیعت‌گردی و طبیعت، لازمه این کاراست.

– دلتان می‌خواهد از کدام مناظر طبیعی در دنیا عکس بگیرید؟

– جاهای زیادی در تصوراتم است ولی بیشتر دوست دارم وقت و انرژیم را برای طبیعت استان بوشهر بگذارم.

– بین مهندسی برق که تحصیلات شما هست، با عکاسی چه ارتباطی وجود دارد؟

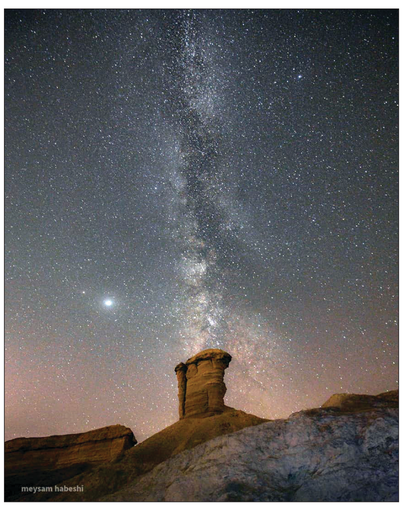
– می‌شود گفت ارتباط مستقیمی دارد. بدون برق هیچ دوربینی کار نمی کند و دانش شناخت فیزیک نور و عدسی ها و کانون انواع عدسی ها و قطعات الکترونیک دوربین کمک حال زیادی است.

– در کل چه توصیه‌ای به علاقمندان به عکاسی دارید؟

– خودم را در آن حد نمی‌دانم که بخواهم توصیه‌ای کنم.

– حمایت از عکاسان توسط اداره فرهنگ و ارشاد و دیگر نهادهای فرهنگی چگونه است؟

– من ارتباط آن چنانی با تشکلات و نهاد ها ندارم و برای حال دلم کار می کنم و هنرجو بودن



در عکاسی را به اشخاص و افراد و تشکلات و همایش‌ها و فستیوال‌ها گره نزده‌ام و توقعی از کسی و ارگان و سازمانی ندارم، ولی می‌دانم دوستان هنرمند گلایه‌های زیادی دارند.

– سخن پایانی؟

– عکاسی از طبیعت و مناظر برای من عبادت است و هر «شات»، ذکر پروردگار هستی دو جهان است. امیدوارم خداوند عمر و فرصتش را برای این بندگی در اختیارم بگذارد.

تیم پرابهت بوشهر در سال ۱۳۵۸



محمد رزمی: بازی های منتخب کشوری سال ۵۸ امجدیه تهران. ایستاده از راست: فرهاد امینی، حسین هلال بحر، علی احمدی، احمد حق شناس، حاج حسین وردیانی، زنده یاد رضا ماهینی، حمید کللی فرد، نشسته از راست: محسن هاشمی، احمد رزمی کاپیتان، احمد نوشادی، زنده یاد ماشاالله ماهینی، مجید مشایخ.

تیمی از ترکیب با تجربه ها و جوانان، در آنزمان ۳ بازیکن از جام تخت جمشید احمد رزمی، رضا ماهینی، حمید کللی فرد ۳ بازیکن از دسته ۲ تخت جمشید احمد نوشادی و محسن هاشمی، حسین هلال بحر، علی احمدی با جوانانی همچون ماشاالله ماهینی، حسین وردیانی و مجید مشایخ ، احمد حق شناس تیم استخون دار و محکمی را روانه بازی ها کرده بود.

متاسفانه دیگر از ابهت نام بوشهر هم خبری نیست. استاد جلال غریبی در خاطراتش برای دوستان اینگونه تعریف کرده بود: «وقتی در تبریز بازی داشتیم بلندگو بوقی اعلام می کرد که تیم شاهین بوشهر با بازیکنان نامدارش فردا بازی دارد. وقتی سیل تماشاگران تبریز را دیدم واقعا شگفت‌زده شدم».

چون فوتبال بوشهر در سطح اول مملکت جای داشت ولی دیگر برای فوتبال بوشهر، هم تره خورد نمی کنند. فوتبال تبریز کجا و فوتبال ما بوشهر کجا؟ با آرزوی اوجگیری فوتبال بوشهری.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول وسردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



چرچیل در «نوبل‌پارتی»!

امید غضنفر



تاریخ ۱۲۲ ساله‌ی «جایزه‌ی نوبل» در دو بخش «ادبیات» و «صلح» را که مرور کنیم با نام‌های حذف شدگان و برگزیدگانی مواجه می‌شویم که گاه اعتراض‌هایی نیز در پی داشته است.

نگاهی به برخی نام‌های حذف شده و برگزیده در بخش «ادبیات» به تردید در داوری منصفانه و به دور از علایق شخصی منجر می‌شود.

با ذهنی سرشار از علامت سوال، پاسخی به چرایی بخشی از انتخاب‌ها نمی‌یابیم. و حیرت‌زده خواهیم شد وقتی مرور کنیم نام‌هایی بزرگ را که با نگاهی سلیقه‌ای و یا به دلیل ناآگاهی حذف شدند. به روایتی، یکی از داوران در پاسخ به دلیل حذف «جیمز جویس»- خالق «اولیس»- گفته بود: جویس کیست؟!

آن‌ها که وظیفه‌ی معرفی برندگان نوبل ادبیات از سوی آکادمی سوئد را بر عهده دارند، بی‌تردید مدیون حضور بزرگانی چون: فاکنر، همینگوی، مارکز، کامو و بکت در فهرست برگزیدگان‌اند که پیش از دریافت این جایزه،

اعتبار و جایگاهی والا در گستره‌ی ادبیات داشتند و نیز باید شرمسار همارهِی غیاب نامدارانی چون: وولف، جویس، کافکا و بورخس باشند که این آکادمی از افتخار حضورشان در فهرست برگزیدگان محروم شد.

یادآوری یک «شوخی» با جایزه‌ی نوبل از سوی داوران، خالی از لطف نیست: سال ۱۹۵۳ «چرچیل» جایزه‌ی نوبل ادبیات را دریافت کرد و دلیل انتخاب‌اش «فصاحت و بلاغت در دفاع از ارزش‌های عالی انسانی» اعلام شد!

شوخی دیگر هم اعلام نام «باب دیلن» به عنوان برنده‌ی نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۶ است. روند جایزه گرفتن این خواننده و ترانه‌سرا را نیز می‌توان لطیفه بی‌بدون تاریخ انقضا تلقی کرد: وی ابتدا به خبر انتخاب‌اش واکنشی نشان نداد و چندی نقش «هنرمند بی‌اعتنا به جایزه» را بازی کرد. ۲۵ اکتبر ۲۰۱۶ از سوی آکادمی اعلام شد: «موفق به تماس با دیلن نشده‌اند و ایمیل‌ها بی‌پاسخ مانده‌اند».

۲۷ اکتبر، نویسنده‌ی نیویورک‌تایمز در تحلیلی شتاب‌زده و اغراق‌آمیز «بی‌تفاوتی مطلق» دیلن را با امتناع «ژان پل سارتر»- فیلسوف و نویسنده‌ی بزرگ فرانسوی- از پذیرش جایزه‌ی نوبل در سال ۱۹۶۴ مقایسه کرد.

بالاخره در ۲۸ اکتبر، دیلن به این «show off» پایان داد. او پذیرش جایزه را اعلام و تاکید کرد: «بعد از شنیدن خبر برنده شدن، زبان‌اش بند آمده بود»!

با نگاهی به فهرست برگزیدگان جایزه‌ی نوبل صلح نیز نام بزرگ «گاندی» رهبر به یاد ماندنی انقلاب مردم هند در مسیر استقلال و علیه استعمار را نمی‌بینیم؛ اما «انور سادات» و «مناخیم بگین» از برگزیدگان‌اند!

*

روح آلفرد نوبل اگر امکان ارتباط با دنیای زندگان را داشت، فقط با مشاهده‌ی نام چرچیل در لیست برندگان بخش ادبیات، بی‌شک چند دهه پیش پایان این «نوبل پارتی» را اعلام می‌کرد!

عسلویه، بنود، هاله؛ با سواحل شگفت‌انگیز

دکتر کیوان آقایانی

پس از چهل کیلومتر گذر از شهر عسلویه، به ساحل شگفت انگیزی می رسیم بنام «بنود» که در وصف آن همین بس که تا به امروز فیلم‌ها و لوکیشن‌های بسیاری از جمله فیلم محمد رسوال الله(ص) در آن ضبط شده است. موج‌های سفید، صخرهای افسانه‌ای ملقب به صخرهای مریخی، آب دریا سپید، سبز و آبی، کوهای همچون ستونی پایدار، خلیج نایبند با غروب و سمفونی رنگ‌هایش، رقص موج‌ها در صخرهای مریخی هاله و بنود، جنگل حرا و تنوع زیست محیطی در کنار شنا کردن اسب‌ها، صحنه‌های بسیار شگفت انگیز و زیبایی را به وجود آورده که دل هر انسانی در ساحل زیبای آن که نور شعله‌های گاز از دور در آن افتاده به وجد می‌آورد، همه و همه این زیبایی در عسلویه عزیز ماست.

در رشته حسابداری در مقطع فوق لیسانس ممالک پیشرفته، بخشی وجود دارد بنام حسابداری خدماتی که در آن به حسابداری توریست در کنار ده‌ها بخش دیگر مثل هتل داری، پزشکی، حمل و نقل می‌پردازد و حال اگر بخواهیم از آن بخش حسابداری کمک بگیریم؛ استان ما بی‌شک به دلیل شرایط جغرافیای و آب و هوایی یکی از استان‌های ویژه در ایران می‌باشد و البته در این میان شرایط چهار شهرستان جنوبی استان که کمتر برای هم استانی‌های عزیزمان محیط گردشگریش شناخته شده است، این منطقه از همه ویژه‌تر است. این در حالی است که امروزه این مناطق برای کل کشور یکی از مناطق گردشگری زمستانه بحساب می‌آید. استان بوشهر از جمله استان‌های گرم و مرطوب ایران است، اما در همین شرایط نیز از آبان تا اردیبهشت دارای شرایط آب و هوایی خوب برای جذب توریست است. این در صورتی است که استان‌های توریست‌پذیری مثل همدان فقط در سه ماه تابستان شرایط آب و هوایی خوبی دارند. استان بوشهر گرچه دارای توریست تجاری هم هست، اما در فصل پاییز تا بهار بیشتر توریست طبیعی به دیدن بوشهر عزیز ما می‌آیند که جا دارد در اینجا به کوه نمک جاشک، نخلستان‌های آب پخش، بندر سیراف، ساحل زیبای کنگان تا بنود اشاراتی کنیم.

متاسفانه در این راستا عسلویه ما همان‌گونه که در استفاده از منافع صنعت نفت و گاز در محرومیت بسر می‌برد و سهم شاغلین بومی آن خیلی کم است، در بخش گردشگری نیز این شهرستان با داشتن پتانسیل خیلی بالا، محروم و ناشناخته مانده است و تمام امتیازات گردشگری آن نصیب گردشگران استان هرمزگان و شهرستان پارسیان می گردد، هرچند که اهالی محترم پارسیان از دیرباز، رابطه خیلی خوبی با



ما بوشهری‌ها دارند.

باری، چو نیک بنگری همواره در کنار گردشگردی صنایع دستی، هتلینگ، حمل و نقل زمینی و هوایی، بومگردی، لیدر تور، موسیقی محلی و امکانات درمانی، پزشکی و شهری مطرح می‌باشید که عسلویه عزیز ما با داشتن فرودگاه بین‌المللی خلیج پارس و بزرگراه، داشتن رستوران‌ها و هتل‌های مناسب و غنی بودن از لحاظ موسیقی محلی، امکانات پزشکی، همجواری با دریا و داشتن اسکله‌های استاندارد، جهت جذب گردشگر چیزی برای توسعه این صنعت کم ندارد ولی امروزه از تمامی این امتیازات شرکت‌های گردشگری هرمزگان و فارس سایر استان‌های دیگر استفاده می کنند.

امیدواریم مسئولین میراث فرهنگی در این راستا بیشتر فعالیت کرده و بستر را برای هم استانی‌های عزیزمان فراهم سازند. جا دارد در پایان از هفته نامه نسیم جنوب و خصوصا دکتر خلف‌پور و دکتر قیصی‌زاده که همواره در مورد عسلویه از دیرباز حساسیت ویژه‌ای داشته و از منافع مردم این منطقه، حمایت کرده‌اند، تشکر و قدردانی کنم.

مدرسه گلستان بوشهر سال ۱۳۴۵

عکسی نوستالژی در یکی از دبستان‌های قدیمی بوشهر

کلاس اول، ایستاده از راست آقای مسعودی معلم و آقای خرد مدیر مدرسه:

دانش آموزان ایستاده از راست: ۱ـ مهرداد فرّخ ۲ـ جمشید شنبه زاده ۳ـ علی مقرّب ۴ـ غلام ؟ ۵ـ شهرام جلیلی ۶ـ ؟ حسن تماری ۷ـ رحیم اقدام ۸ـ ؟ ۹ـ قاسم مهدی زاده ۱۰ـ حسن کرمی ۱۱ـ ؟ ۱۲ـ مسعود ساکی ۱۳ـ شهرام حقیقت ۱۴ـ ؟ سالمی ۱۵ـ ؟ ۱۶ـ ؟ ۱۷ـ حمید پاک منظر ۱۸ـ علی رضا پورصبّاغ ۱۹ـ مسعود فرح بخش ۲۰ـ ابراهیم بلکامه .

نشسته از راست: ۲۱ـ فریدون حقیری ۲۲ـ مجید ملک زاده ۲۳ـ ناصر جمالی ۲۴ـ ؟ حسن خواه ۲۵ـ مجید جهانگیر ۲۶ـ ؟ ۲۷ـ حیدر درخشان ۲۸ـ عبدالرضا اخلاقی ۲۹ـ حسین صفوی ۳۰ـ؟ بهاری ۳۱ـ مجید مدّاح ۳۲ـ رحیم تقی پور ۳۳ـ ؟ ۳۴ـ ؟ ۳۵ـ هادی مبارکی ۳۶ـ بهروز شریف پور.



نشانه‌های تکان‌دهنده از فقر در کشور

حجت میرزایی، پژوهشگر می‌گوید نرخ فقر در برخی استان‌های ایران به شرایط نگران‌کننده‌ای رسیده است.

به طوری که بیشتر از ۸۰ درصد جامعه روستایی و ۴۵ درصد جامعه شهری سیستان و بلوچستان فقیر هستند و زمان تخصیص یارانه معیشتی، تقریبا تمام ساکنان این استان به جز گروه بسیار کوچکی مستحق یارانه شناخته شدند.

بیشتر از ۵۰ درصد جمعیت چابهار، ۴۰ درصد جمعیت بندرعباس و ۳۰ تا ۳۵ درصد جمعیت مشهد حاشیه‌نشین هستند.

فقر خشن به حدی رسیده که بر اساس گزارش وزارت راه و شهرسازی، دهک اول درآمدی برای خانه‌دار شدن به ۲۴۸ سال زمان نیاز دارد.

بر اساس گزارشی که در سال ۱۴۰۰ برای وزارت کار تهیه شده، میزان فعالیت‌های انسان‌ستیز غیررسمی مانند کولبری، شوتی‌ها، زباله‌گردی و ... به ۴۰ درصد و در برخی استان‌ها به ۶۰ درصد رسیده است.

در حال حاضر ۸۵ درصد جمعیت کشور در استان‌هایی زندگی می‌کنند که درآمد سرانه‌شان نصف درآمد سرانه تهران است و ۴۰ درصد جمعیت کشور ساکن استان‌هایی هستند که نرخ بیکاری پایدار و بلند مدت بالاتر از ۱۵ درصد در یک دهه و بیشتر داشته‌اند... .

این وضعیت در کرمانشاه، لرستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان به بیشتر از دو دهه می‌رسد.

درآمد سرانه تهران پنج برابر سیستان و بلوچستان است و امید به زندگی مردان این استان بین ۸ تا ۱۰ سال و زنان ۶ سال کمتر از میانگین کشوری است.

در حال حاضر دغدغه دولت از تامین زیرساخت‌های توسعه‌ای به تامین مایحتاج اولیه مانند آب، نان، گاز و کالاهای اساسی رسیده و استان‌های ایران گورستان طرح‌های عمرانی زمین مانده شده‌اند./فراز